

# بررسی تداخل نحوی کردزبانان کلهر ساکن کرمانشاه به هنگام تکلم به زبان فارسی معیار

خسرو غلامعلی زاده<sup>۱</sup>، عامر قیطوری<sup>۲</sup>، اکرم کرانی<sup>۳\*</sup>

۱. استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران
۲. دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران
۳. دانشجوی دوره دکتری زبان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

## چکیده

در فرآیند یادگیری زبان دوم، خطا پدیده‌ای است رایج و قابل پیش‌بینی. تداخل‌های زبانی دسته‌ای از خطاها محسوب می‌شوند که حاصل انتقال دانش زبان مادری به زبان مقصد می‌باشند. تحقیق حاضر که در چارچوب «تحلیل خطا» و بر اساس طبقه‌بندی براون (۲۰۰۷) از خطاها صورت گرفته است، بر آن است تا خطاهای نحوی ناشی از تداخل دو زبان کردی کلهری و فارسی معیار را در گفتار دوزبانه‌های کردزبان و فارسی‌زبان مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. بدین منظور، از بین خطاهای گفتاری، خطاهای نحوی و از بین آن‌ها خطاهای ناشی از تداخل بین زبان اول و دوم مورد بررسی قرار گرفت. رویکرد این پژوهش تلفیقی (کمی/ کیفی) می‌باشد. نمونه آماری شامل ۱۷۰ دختر و پسر دوزبانه ساکن شهر کرمانشاه است که به روش نمونه‌گیری داوطلبانه انتخاب گردیدند. پس از تحلیل خطاها، نتایج پژوهش نشان داد که خطاها به ترتیب درصد فراوانی عبارت‌اند از: خطای کاربرد نادرست اجزای فعل مرکب، خطای حروف اضافه، خطای ترتیب اجزای جمله، خطای حرف نشانه «را»، خطای کاربرد فعل نامناسب، خطای استفاده از «ی» زائد، خطای حروف ربط و خطای استفاده از ضمیر نامناسب. با اتکا به نتایج تحقیق حاضر، می‌توان راهکارهای آموزشی را برای معلمان، برنامه‌ریزان درسی، طراحان آزمون‌ها و زبان‌آموزان به‌منظور کاستن مشکلات یادگیری زبان فارسی در مناطق کردزبان ارائه داد.

واژگان کلیدی: تحلیل مقابله‌ای، تداخل زبانی، تحلیل خطا، تداخل نحوی و کردی کلهری

## ۱. مقدمه

خطاها<sup>۱</sup> انحرافات رایج و نظام‌مندی هستند که حاصل تخطی از قواعد زبان دوم می‌باشند. در گذشته خطاها به‌عنوان موانع یادگیری زبان دوم تلقی می‌شدند که باید از آن‌ها دوری می‌شد، اما امروزه خطاها در یادگیری زبان دوم از اهمیت بسزایی برخوردارند. زبان کردی کله‌ری یکی از زبان‌هایی است که در غرب ایران، از جمله شهر کرمانشاه بدان تکلم می‌گردد. دوزبانه‌هایی که زبان مادری آن‌ها کردی کله‌ری است، به هنگام تکلم به زبان فارسی ساختارهای زبان مبدأ را به زبان مقصد منتقل می‌کنند. خطاهایی که در گفتار این افراد مشاهده می‌گردند موجب بروز مشکلاتی در برقراری ارتباط با فارسی‌زبانان می‌گردند. از آنجاکه آموزش زبان فارسی در مناطق دوزبانه بدون توجه به زبان مادری صورت می‌گیرد، دسته‌ای از مشکلات یادگیری این دانش‌آموزان ناشی از تداخل‌های زبانی است که معلمان، برنامه‌ریزان درسی و طراحان آزمون‌ها با آگاهی از آن‌ها می‌توانند کمک‌های شایانی به پیشرفت درسی دانش‌آموزان نمایند. هدف از این پژوهش، بررسی خطاهای میان‌زبانی یا تداخل‌های نحوی ناشی از انتقال ساختار زبان اول به زبان دوم می‌باشد. در راستای این هدف، جامعه آماری متشکل از ۱۷۰ دانش‌آموز دختر و پسر ۱۳ تا ۱۵ ساله، به‌صورت نمونه‌گیری داوطلبانه انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها، با استفاده از روش مصاحبه در هر جلسه از افراد نمونه خواسته شد تا خاطره‌ای را به زبان فارسی تعریف نمایند. سپس بر اساس طبقه‌بندی براون (2007) از خطاها، خطاهای ناشی از تداخل نحوی تفکیک و مورد بررسی قرار گرفتند. داده‌های گردآوری‌شده ابتدا به‌صورت کیفی بررسی شدند و سپس به‌صورت کمی در قالب نمودار نشان داده شدند.

در این پژوهش، محقق به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که تداخل‌های نحوی در گفتار کردزبانان کله‌ری ساکن کرمانشاه به‌هنگام تکلم به زبان فارسی معیار چگونه می‌باشد و به چه دسته‌هایی قابل تقسیم است.

## ۲. پیشینه تحقیق

پژوهشگران در پژوهش‌های خود خطاهای نحوی زبان‌آموزان را به‌هنگام استفاده از زبان

دوم، در زبان‌های مختلفی مورد بررسی قرار داده‌اند. منشی‌زاده و خان‌بابازاده (۱۳۹۳) به بررسی خطاهای نحوی دانش‌آموزان تالشی زبان پرداخته‌اند. آن‌ها خطاهای دانش‌آموزان را به سه دسته خطاهای بین‌زبانی، درون‌زبانی و آموزشی تقسیم‌بندی نموده‌اند و چنین نتیجه گرفته‌اند که در نوشتار این دانش‌آموزان نمونه‌هایی از هر سه دسته خطا یافت می‌شود. خطاهای آموزشی و در بین آن‌ها خطای عدم مطابقت شناسه فعل با فاعل از فراوانی بیشتری برخوردار بودند.

میر دهقان و دیگران (۱۳۹۳) خطاهای نوشتاری ۳۴ فارسی آموز آلمانی‌زبان را در سطح مقدماتی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند و خطاها را مطابق دسته‌بندی فیژیاک (1981) دسته‌بندی نموده‌اند. خطاها به دو دسته بین‌زبانی و درون‌زبانی تقسیم شده‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که منشأ اکثر خطاها زبان آلمانی است و نه زبان فارسی.

متولیان نائینی و ملکیان (۱۳۹۳) خطاهای نحوی فارسی آموزان اردوزبان را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که خطاهای بین‌زبانی با منشأ زبان مادری بیشترین بسامد وقوع را به خود اختصاص داده‌اند. از بین مقوله‌های نحوی نیز خطاهای مرتبط با حرف‌اضافه بیشترین بسامد وقوع را داشتند.

کاظمی (۱۳۹۳) خطاهای دستوری فارسی‌آموزان لک‌زبان را مورد بررسی قرار داده است. وی خطاها را بر اساس نظریه کوردن (۱۹۷۵) طبقه‌بندی نموده و در تحلیل داده‌هایش از دو فرضیه قوی و معتدله استفاده نموده است. نتایج بررسی داده‌ها نشان داد که فرضیه معتدله در یادگیری زبان دوم فرضیه غالب می‌باشد. از بین خطاهایی که وی مورد بررسی قرار داده است، خطاهای ناشی از تداخل زبانی تأثیری نسبی در یادگیری زبان دوم دارد و محیط یادگیری مؤثرترین عامل در یادگیری زبان قلمداد شد.

کمالی (۱۳۹۴) به بررسی خطاهای زبان‌آموزان ایرانی در استفاده از حروف فرانسوی پرداخته است. وی پربسامدترین خطاهای زبان‌آموزان را به دودسته تقسیم‌بندی نموده است: خطاهای بین‌زبانی یا تداخلی و خطاهای درون‌زبانی. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که اکثر خطاها ناشی از تداخل زبان مادری می‌باشد. وی دلیل این مسئله را آن می‌داند که زبان‌آموزان بر پایه زبان مادری‌شان یعنی زبان فارسی و یا زبان دومشان که زبان انگلیسی است، گرت‌برداری می‌کنند. دلیل دیگر آن است که چون زبان‌آموزان با قواعد دستوری زبان

فرانسه آشنایی ندارند، یک حرف اضافه را به جای حرف اضافه‌ای دیگر به کار می‌برند. در بسیاری از پژوهش‌های انجام شده، تداخل‌های زبانی زبان‌هایی همچون زبان فارسی، انگلیسی و فرانسه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. گروهی از پژوهشگران نیز تداخل‌های زبان فارسی را با زبان‌ها و گویش‌های داخل کشورمان همچون زبان لکی و زبان تالشی مورد بررسی قرار داده‌اند. در این میان پژوهشی در زمینه تجزیه و تحلیل خطاهای نحوی کردزبانان کلهر انجام نگرفته است. از این رو در این تحقیق به دنبال بررسی این خطاها در گفتار گویشوران کردزبان کلهر می‌باشیم.

### ۳. چارچوب نظری تحقیق

خطاهای بین‌زبانی در این پژوهش مطابق دسته‌بندی براون (2007) از خطاها تفکیک و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. مطابق دیدگاه براون، منابع خطا عبارت‌اند از: انتقال بین‌زبانی یا تداخل زبانی<sup>۱</sup>، انتقال درون‌زبانی، بافت یادگیری<sup>۲</sup> و راهکارهای ارتباطی<sup>۳</sup> (Vide. Brown, 2007: 263-266) در زیر این منابع به اختصار شرح داده می‌شود.

(۱) انتقال بین‌زبانی یا تداخل زبانی: در مراحل یادگیری زبان دوم، انتقال بین‌زبانی از زبان بومی به زبان مقصد، به وفور یافت می‌گردد. خطاهای بین‌زبانی یا تداخل زبانی، عبارت‌اند از کاربرد ناآگاهانه الگوها یا عناصر یک‌زبان در زبانی دیگر (نک. مدرسی، ۱۳۶۸: ۴۱). فارچ و کاسپر (1983: 113) معتقدند که وقتی زبان‌آموز در ساختار زبان دومش نقص دارد آن نقص را به وسیله قواعد دستوری که بخشی از آن متعلق به زبان مادری است، برطرف می‌سازد.

(۲) انتقال درون‌زبانی: انتقال درون‌زبانی که در درون خود زبان مقصد رخ می‌دهد، یکی دیگر از منابع خطاست. خطاهای درون‌زبانی حاصل تأثیر مقوله‌ای در زبان دوم بر مقوله‌ای دیگر است.

(۳) بافت یادگیری<sup>۴</sup>: منظور از بافت هنگامی که زبان دوم در مدرسه آموخته شود، کلاس درس و هنگامی که زبان دوم بدون معلم آموخته شود، جامعه است.

(۴) راهکارهای ارتباطی: زبان‌آموزان از راهکارهای تولید جهت افزایش پیام‌رسانی کامل

استفاده می‌کنند. گاهی این تکنیک‌ها خودشان منبع خطا می‌شوند. راه‌کارهای ارتباطی عبارت‌اند از کاربرد آگاهانه سازوکارهای کلامی به‌منظور رساندن یک اندیشه به مخاطب به‌نحوی که لحظه برقراری ارتباط صورت‌های دقیق در اختیار زبان‌آموز نباشد (Vide.Brown,2007:266).

#### ۴. روش‌شناسی

این پژوهش از لحاظ هدف از نوع کاربردی، از نظر شیوه اجرا توصیفی و از نظر نوع داده‌ها کمی/کیفی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل دانش‌آموزان دو زبانۀ مقطع متوسطه اول ساکن شهر کرمانشاه بود. رده سنی این افراد ۱۳ تا ۱۵ سال می‌باشد. نمونه آماری نیز شامل ۱۷۰ دانش‌آموز پسر و دختر بود که ۸۵ نفر آن‌ها دختر و ۸۵ نفرشان پسر بود. این افراد به روش نمونه‌گیری داوطلبانه انتخاب شدند. به این صورت که محقق با توجه به رضایت و اعلام مشارکت افراد، از بین افرادی که زبان مادری‌شان کردی کلهری و زبان دومشان زبان فارسی بود، نمونه موردنظر را انتخاب نمود. لازم به ذکر است که افراد نمونه زبان فارسی را در به هنگام ورود به مدرسه به عنوان زبان دوم آموخته‌اند. برای گردآوری داده‌ها جلسات مصاحبه‌ای با حضور افراد مورد مصاحبه برگزار می‌گردید و طی آن از آزمودنی‌ها درخواست می‌شد تا خاطره‌ای را به زبان فارسی تعریف کنند. تعداد مصاحبه‌شوندگان در هر جلسه ۴ تا ۵ نفر بود. در هر جلسه، پاسخ افراد به سؤالات مصاحبه گردآوری و سپس بر اساس دسته‌بندی براون (۲۰۰۷) از خطاها، خطاهای بین زبانی و یا خطاهای ناشی از تداخل استخراج و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

با توجه به داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها، ابتدا به‌صورت کیفی هریک از انواع خطاها به‌صورت جداگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بدین ترتیب، برای بررسی هر خطا ابتدا جمله تولیدشده توسط فرد دوزبانه به زبان مقصد یعنی زبان فارسی که حاوی تداخل نحوی است ذکر گردید. این جمله با علامت ستاره نشان‌دار شده است. سپس معادل آن جمله به زبان اول یعنی زبان کردی بر اساس الفبای IPA آوانگاری شد. پس‌از آن معادل جمله زبان اول یعنی زبان کردی به زبان دوم یعنی زبان فارسی ارائه گردید. همچنین در بخش کمی، بسامد و فراوانی‌های هرکدام از خطاها در قالب نمودار میله‌ای ارائه شد.

## ۵. یافته‌های پژوهش

### ۵-۱- تحلیل کیفی خطاها

در زیر خطاهای مربوط به حروف اضافه، حروف ربط، حرف نشانه «را»، کاربرد اجزای فعل مرکب، فعل نامناسب، ترتیب اجزای جمله، استفاده از ضمیر نامناسب و استفاده از «ی» زائد به ترتیب شرح داده می‌شود

#### ۵-۱-۱. خطاهای مرتبط با حروف اضافه

حروف اضافه حرفی هستند که کلمه یا گروهی را به فعل، صفت و مانند آن نسبت می‌دهند (احمدی گیوی- انوری، ۱۳۸۰: ۱۷۶). در زبان کردی برخی از حروف اضافه دارای چند معنا هستند. از این رو کردزبانان به هنگام تکلم به زبان فارسی، قادر به گزینش حرف اضافه صحیح نمی‌باشند و همین مسئله منجر به تداخل زبانی می‌گردد. خطاهای مرتبط با حروف اضافه در گفتار کردزبانان به هنگام تکلم به زبان فارسی به سه دسته تقسیم می‌شود: (الف) استفاده غیر صحیح از حرف اضافه (ب) عدم استفاده از حرف اضافه (ج) استفاده زائد از حرف اضافه.

#### ۵-۱-۱-۱. استفاده غیر صحیح از حروف اضافه

##### ۵-۱-۱-۱-۱. حرف اضافه /wæ/

در زبان کردی، حرف اضافه /wæ/ معادل «به»، «از»، «با»، «در»، «بر»، «برای»، «به وسیله» در زبان فارسی است.

#### ۵-۱-۱-۱-۱-۱. خطای جایگزینی حرف اضافه «از» به جای «برای»

\* ۱. دست ازت تکان دادم. *dæs wælit tækan dam..*

برایت دست تکان دادم.

#### ۵-۱-۱-۱-۱-۲. خطای جایگزینی حرف اضافه «با» به جای «به»

\* ۲. کم کم با من عادت. *kæm kæm wæ mə adæt kərd.*

کرد

کم کم به من عادت کرد.

#### ۵-۱-۱-۱-۱-۳. خطای جایگزینی حرف اضافه «از» به جای «برای»

\* ۳. پالتوی او از من دراز بود. *pałtawə æwə wæ mə dəriʒ bi.*

پالتوی او برای من بلند بود.

۵-۱-۱-۱-۴. خطای جایگزینی حرف اضافه «در» به جای «از»

\*۴. چند تا در سیبها گندیده‌اند.  $\text{tʃæn gələ wə sifəjl gænjənæ.}$

چند تا از سیبها گندیده‌اند.

۵-۱-۱-۱-۵. خطای جایگزینی حرف اضافه «به» به جای «با»

\*۵. به دست خالی شروع کرد.

$wə dæsə xali ʃuru kərd$

با دست خالی شروع کرد.

۵-۱-۱-۱-۶. خطای جایگزینی حرف اضافه «به» به جای «از»

\*۶. خدا حق این بچه به عمویش بگیرد.

$xoda hæqə i: mənɔtæ wə məmuɪ bəsənɪ:.$

خدا حق این بچه را از عمویش بگیرد.

۵-۱-۱-۱-۷. خطای جایگزینی حرف اضافه «با» به جای «از»

\*۷. با بادمجان بدم می-آید.  $wə bajəmdʒən bædəm tʃəɪ.$

آید.

از بادمجان بدم می‌آید.

۵-۱-۱-۱-۸. خطای جایگزینی حرف اضافه «از» به جای «با»

\*۸. کمکش می‌کردیم یا از پول یا از چیزهای دیگر.

$kumækɪ: kərdʒajmən ja wə pyl ja wə tʃəʃtəjlə təræk.$

کمکش می‌کردیم یا با پول یا با چیزهای دیگر.

۵-۱-۱-۱-۹. خطای جایگزینی حرف اضافه «در» به جای «به»

\*۹. سرما ضرر زیادی در ما وارد کرد.

$sərma zərærə fəræɪ wə imə wərəd kərd.$

سرما ضرر زیادی به ما وارد کرد.

۵-۱-۱-۱-۱۰. خطای جایگزینی حرف اضافه «بر» به جای «به»

\*۱۰. بر پدر و مادر خود احترام بگذارید.

$wə bawgo dətəgə xwæt ə:tərəm bənæ.$

به پدر و مادر خود احترام بگذارید.

در نمونه‌های مشاهده‌شده، زبان مبدأ زبان‌آموز روی زبان مقصدش تأثیر می‌گذارد و یکی از معادل‌های /wæ/ را به اشتباه به جای معادلی دیگر به کار می‌برد.

۵-۱-۱-۲. حرف اضافه /naw/

حرف اضافه /naw/ در زبان کردی معادل «داخل»، «بین»، «به»، «در»، «میان» و «توی» در زبان فارسی می‌باشد.

۵-۱-۱-۲-۱. خطای جایگزینی حرف اضافه «توی» به جای «بین»

۱۱. \* او توی ما فرق می‌گذاشت.

او بین ما فرق می‌گذاشت. æwæ naw imæ færq hiftja.

۵-۱-۱-۲-۲. خطای جایگزینی حرف اضافه «میان» به جای «توی»

۱۲. \* چشمم میان چشمش نیفتد.

چشمم توی چشمش نیفتد. tʃowəm wæ naw tʃowɪ: nækæfi:.

۵-۱-۱-۲-۳. خطای جایگزینی حرف اضافه «داخل» به جای «به»

۱۳. \* همه حواسش داخل خانه‌اش است.

همه حواسش به خانه‌اش است. gəft hæwæsɪ: ha naw maʔækəɪ.

۵-۱-۱-۲-۴. خطای جایگزینی حرف اضافه «میان» به جای «در»

۱۴. \* میان این چند ماه زجر کشیدم.

در این چند ماه زجر کشیدم. wæ naw ɪ: tʃæn manjæ zædʒɪ kiʃam.

فرد دوزبانه با به کار بردن یکی از معادل‌های /naw/ به جای سایر معادل‌های آن در این حوزه مرتکب خطا می‌گردد.

۵-۱-۱-۳. حرف اضافه /læ/

/læ/ در زبان کردی معادل «از» و «در» در فارسی می‌باشد.

۱۵. \* از زندگی موفق بود.

læ zəndægi muwæfæq bi

در زندگی موفق بود.

به دلیل وجود معادل‌های متفاوت برای حرف اضافه /læ/ در زبان فارسی، کردزبانان به



هنگام تکلم به زبان فارسی از حرف اضافه «از» به جای «در» استفاده می‌کنند.

۴-۱-۱-۵. حرف اضافه /æra/

/æra/ در زبان کردی معادل «برای» و «به» در زبان فارسی می‌باشد.

۱۶. \*رفتم برای بانک.

tʃim æra bank.

به بانک رفتم.

کردزبانان به جای استفاده از حرف اضافه «به» به عنوان یکی از معادل‌های /æra/ از معادل دیگر آن یعنی «برای» استفاده می‌کنند.

۵-۱-۱-۵. حرف اضافه /la/

/la/ در زبان کردی معادل «پیش»، «کنار»، «به» در زبان فارسی می‌باشد.

۱-۵-۱-۱-۵. خطای جایگزینی حرف اضافه «کنار» به جای «پیش»

۱۷. \*کتابم کنار برادرم بود

kətawægəɪm wə laɪ bəɾəm bi..

کتابم پیش برادرم بود.

فرد دوزبانه با به کار بردن معادل‌های /la/ در زبان فارسی به جای یکدیگر در این حوزه مرتکب خطا می‌گردد.

۲-۱-۱-۵. عدم استفاده از حرف اضافه

۱۸. \*توکل کردیم @ خدا. tæwækol kərdimənæ xoda.

به خدا توکل کردیم.

در زبان کردی با فعل‌هایی مثل «توکل کردن» و «تکیه کردن» حرف اضافه به کار نمی‌رود. از این رو کلهر زبانان در زبان فارسی حرف اضافه را در چنین مواردی حذف می‌کنند.

۳-۱-۱-۵. استفاده زائد از حرف اضافه

۱۹. \* در توی زندگی‌ام تهران نرفته بودم. wə naw zəndægim tə:ran nætʃym.

در زندگی‌ام تهران نرفته بودم.

در زبان کردی حرف اضافه دوتایی وجود دارد. معادل این حروف در زبان فارسی یک

حرف اضافه می‌باشد. گویشور کلهر به هنگام تکلم به زبان فارسی، برای هر جزء این حروف اضافه دوتایی یک معادل را به کار می‌گیرد.

#### ۵-۱-۲. خطاهای مرتبط با حروف ربط

حروف ربط حرفی هستند که کلمات و جملات را به یکدیگر پیوند می‌دهند (احمدی گیوی و انوری، ۱۳۸۰: ۱۷۶). خطاهای مربوط به حروف ربط در گفتار کردزبانان به هنگام تکلم به زبان فارسی به سه دسته تقسیم می‌شوند: (الف) عدم استفاده از حرف ربط «و» (ب) استفاده زائد از حرف ربط «دیگر».

#### ۵-۱-۲-۱. عدم استفاده از حرف ربط «و»

۲۰. \* نان ډ کرگ بگیر. *nankærægæ bəger.*

نان و کره را بگیر.

در زبان کلهری گاهی حرف ربط «و» حذف می‌گردد.

#### ۵-۱-۲-۲. استفاده زائد از حرف ربط «دیگر»

۲۱. \* درباره همه صحبت کردیم. دیگر راجع به تو هم حرف زدیم.

*qəsæɪ gəft kərdim. di qəsæɪ tonif kərdimən.*

درباره همه صحبت کردیم. همچنین راجع به تو هم حرف زدیم.

کردزبانان حرف ربط «دیگر» را به صورت زائد به کار می‌برند. دلیل آن این است که در

زبان کردی حرف ربط "di" که معادل «همچنین» است، بسیار به کار برده می‌شود.

#### ۵-۱-۳. خطای جایگزینی حرف نشانه «را»

حرف نشانه «را» برای تعیین نقش مفعول در جمله به کار می‌رود. کلمه یا گروه قبل از «را» دارای نقش مفعولی است (احمدی گیوی و انوری، ۱۳۸۰: ۱۸۱). خطای جایگزینی حرف نشانه «را» شامل استفاده از حرف اضافه «به» به جای «را»، استفاده از نشانه معرفه /æqæ/ به جای «را» و عدم استفاده از نشانه مفعولی «را» می‌باشد.

#### ۵-۱-۳-۱. استفاده از حرف اضافه «به» به جای «را»

۲۲. \* آن قدر به دزد زدیم گفتیم الآن می‌میرد.

*æqæræ wæ dəzægæ dəjmən wətim ælan məri.*

آن قدر دزد را زدیم که گفتیم الآن می‌میرد.

کلهز زبانان گاهی «را» را به عنوان نشانهٔ مفعولی حذف می‌کنند و معادل حرف اضافهٔ /wæ/ را در معنای «به» به کار می‌گیرند.

۵-۳-۲. استفاده از نشانهٔ معرفهٔ /ægæ/ به جای «را»

۲۳. \* شیر بچگِ دادم. firə mənətægæ dam.

شیر بچه را دادم.

از آنجاکه در زبان کردی معادل «را» وجود ندارد، /ægæ/ به عنوان عنصر معرفه‌ساز پس از اسم نقش آن را ایفا می‌کنند.

۵-۳-۳. عدم استفاده از نشانهٔ مفعولی «را»

۲۴. \* وسایلمان ڤا ده تن . æsbawəjləman wæ də:ton bərdimən.

بردیم

وسایلمان را با ده تن بردیم.

نشانهٔ «را» به این دلیل حذف شده که در کردی معادلی برایش وجود ندارد.

۵-۱-۴. خطای کاربرد اجزای فعل مرکب

فعل مرکب فعلی است که از دو واژهٔ مستقل تشکیل شده است. واژهٔ اول اسم، صفت یا قید و واژهٔ دوم فعل می‌باشد. جزء فعلی در فعل مرکب، معنی فعلی خود را از دست می‌دهد و یا معنی‌اش کم‌رنگ می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۲۶).

خطای کاربرد اجزای فعل مرکب شامل حذف جزء اسمی فعل مرکب، گسستگی اجزای افعال مرکب، کاربرد نامناسب جزء فعلی فعل مرکب و خطای کاربرد جزء اسمی نامناسب فعل مرکب می‌باشد.

۵-۴-۱. حذف جزء اسمی فعل مرکب

۲۵. \* داشت فوتبال ڤا می کرد. daft tupan kərdja.

داشت فوتبال بازی می‌کرد.

در زبان کردی «بازی» در فعل‌های مرکبی همچون «فوتبال بازی کردن»، «قایم باشک بازی کردن»، «پینگ‌پنگ بازی کردن»، به کار برده نمی‌شود. از این رو کلهزبانان در زبان فارسی این جزء اسمی را حذف می‌نمایند.

۵-۴-۲. گسستگی اجزای افعال مرکب

۲۶. \* شکست پدرم داد.

ʃəkəstə bəwɣəm dɑ.

پدرم را شکست داد.

در زبان کلهری بین جزء اسمی و جزء فعلی فعل مرکب گسستگی وجود دارد و این دو جزء پشت سر هم نمی‌آیند. کردزبانان به هنگام تکلم به زبان فارسی این گسستگی را به زبان دوامشان منتقل می‌نمایند.

۵-۴-۳. کاربرد نامناسب جزء فعلی فعل مرکب

۲۷. \* گولمان داد

gʊləmɑn dɑ.

گولمان زد.

فعل «دادن» در زبان کردی معادل «دادن» و «کردن» و «زدن» در زبان فارسی است. از این رو کلهر زبانان در زبان فارسی معادل‌های این فعل را به جای یکدیگر به کار می‌برند.

۵-۴-۴. خطای کاربرد جزء اسمی نامناسب فعل مرکب

wə xəjəlætɪr: mərdimən.

۲۸. \* از خجالتی مردیم.

از خجالت مردیم.

در بعضی از فعل‌های مرکب کلهری، جزء غیر فعلی به صورت «اسم + ی» مورد استفاده قرار می‌گیرد مانند «خجالتی» به جای «خجالت»، «تقلبی» به جای «تقلب». به این دلیل کلهر زبانان این الگو را به زبان فارسی انتقال می‌دهند.

۵-۴-۵. کاربرد فعل نامناسب

kolərægə bəɣər.

۲۹. \* کلرگ بگیر.

کلر را روشن کن.

در زبان کلهری فعل «گرفتن» در معنای «گرفتن» و «روشن کردن» به کار می‌رود. از این رو کلهر زبانان معادل‌های فعل «گرفتن» را در زبان فارسی به جای یکدیگر مورد استفاده قرار می‌دهند.

۵-۱-۶. خطای ترتیب اجزای جمله

kiʃaməy aw.

\* ۳۰. کشیدمش آب.

آبشش کشیدم.

ترتیب اجزای جمله در زبان کردی به صورت SVO و در زبان فارسی به صورت SOV است. کلهر زبانان به هنگام تکلم به زبان فارسی آرایش جمله را در زبان کردی به زبان فارسی تحمیل می‌کند.

۵-۱-۷. خطای استفاده از ضمیر نامناسب

\* ۳۱. هر کسی وارد می‌شد، معلم به آن نگاه می‌کرد.

hærkæ warəd bija mæ:ləm səjlə æwæ kərdja.

هر کسی که وارد می‌شد، معلم به او نگاه می‌کرد.

/æwæ/ در زبان کردی معادل «او» و «آن» است و برای اشاره به انسان و غیر انسان به کار می‌رود. فرد کلهر زبان به هنگام تکلم به زبان فارسی، تحت تأثیر زبان کردی «او» و «آن» را به عنوان معادل‌های /æwæ/ به اشتباه به جای یکدیگر به کار می‌برد.

۵-۱-۸. استفاده از «ی» زائد

wæ dadəga əxtarijæ hat.

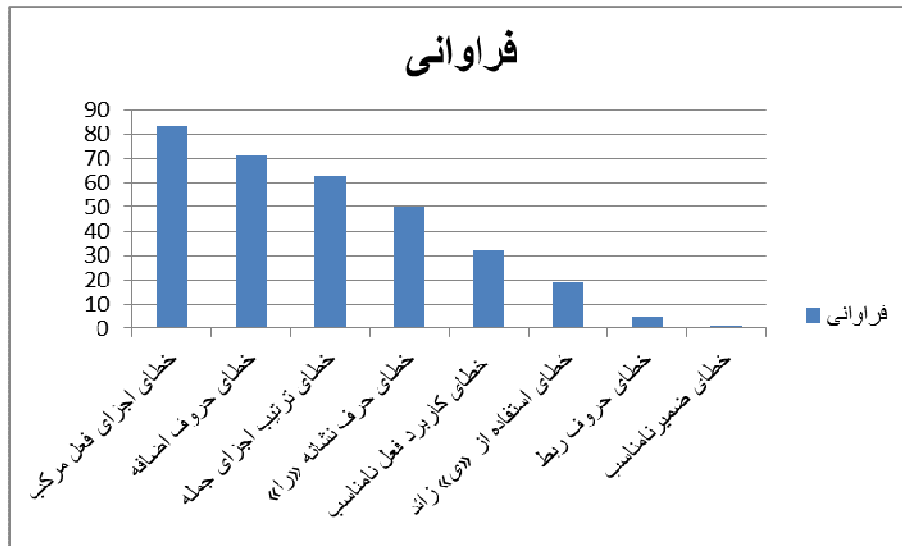
\* ۳۲. از دادگاه اخطاری آمد.

از دادگاه اخطار آمد.

در زبان کردی گاهی به جای اسم از «اسم + ی» استفاده می‌شود. فرد دوزبانه همین ساخت را به زبان فارسی منتقل می‌کند.

۵-۲ - نتایج تحلیل کمی

در نمودار زیر فراوانی و درصد خطاهای دانش‌آموزان نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بیشترین بسامد متعلق به حوزه خطای کاربرد نادرست اجزای فعل مرکب می‌باشد. پس از آن، حروف اضافه، خطای ترتیب اجزای جمله، خطای حرف نشانه «را»، خطای کاربرد فعل نامناسب، استفاده از «ی» زائد، خطاهای حروف ربط و خطای استفاده از ضمیر نامناسب در مرتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند.



نمودار فراوانی و درصد خطاها

## ۶. بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی تداخل‌های نحوی کردزبانان کلهر ساکن کرمانشاه به هنگام تکلم به زبان فارسی بود. از آنجاکه خطاهای نحوی این افراد دارای چندین منشأ هستند و از گستره وسیعی برخوردارند، از این رو تنها خطاهای نحوی بین‌زبانی یا خطاهای ناشی از تداخل زبانی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که خطاهای مربوط به کاربرد نادرست اجزای فعل مرکب (۲۵/۶۲) بیشترین بسامد تداخل‌ها را به خود اختصاص می‌دهند. پس از آن بیشترین فراوانی مربوط به حروف اضافه (۲۱/۹۱)، ترتیب اجزای جمله (۱۹/۴۴)، حرف نشانه «را» (۱۵/۴۳)، کاربرد فعل نامناسب (۹/۸۸)، استفاده از «ی» زائد (۵/۸۶)، حروف ربط (۱/۵۴) و استفاده از ضمیر نامناسب (۰/۳۱) بود.

نتایج این تحقیق در راستای پژوهش‌های میردهقان و دیگران (۱۳۹۳)، متولیان نائینی و ملکیان (۱۳۹۲) و کمالی (۱۳۹۴) می‌باشد. در تبیین این نتایج می‌توان گفت از آنجاکه زبان‌آموز در ابتدا ساختارها و قواعد زبان مادری‌اش را به صورت ناآگاهانه فرامی‌گیرد،

به هنگام یادگیری زبان دوم با توجه به زمینه قبلی که در ذهنش وجود دارد، تمایل دارد که این الگوها را به زبان دومش منتقل کند و این مسئله منجر به تداخل زبانی می‌گردد. مطابق نظریه انتقال نیز، زبان مادری به دو شیوه بر روی زبان مقصد تأثیرگذار است: شیوه مثبت و منفی. شباهت‌های بین دو زبان فرآیند یادگیری را تسهیل می‌نماید. درحالی‌که تفاوت‌های بین آن‌ها موجب انتقال منفی می‌گردند؛ بنابراین، در فرآیند یادگیری زبان دوم، انتقال منفی یا تداخل اجتناب‌ناپذیر است (Vide.Wang, 2009:138). علت وقوع تداخل‌های زبانی در گفتار کردزبانان کلهر نیز آن است که در ذهن زبان‌آموز، نظام زبان کردی به‌عنوان زبان اول به‌طور کامل شکل گرفته است. بر اساس نظریه انتقال دلیل بروز خطاهای بین‌زبانی وجود این نظام ذهنی می‌باشد. در ابتدای یادگیری زبان فارسی به‌عنوان زبان دوم، زبان‌آموز در بسیاری موارد به زبان اولش تکیه می‌کند. بدین ترتیب استفاده از ساختار زبان اول موجب تداخل ساختارها می‌گردد. به‌نحوی‌که وی ساختار زبان مادری‌اش را به زبان مقصد منتقل می‌کند. به‌عنوان مثال، در زبان کردی کلهری بین جزء اسمی و جزء فعلی فعل مرکب گسستگی وجود دارد؛ بنابراین کردزبانان به هنگام تکلم به زبان فارسی این گسستگی را به زبان دومشان منتقل می‌نمایند. بدین ترتیب تداخل‌های مشاهده‌شده، حاصل انتقال الگوهای زبان اول به زبان دوم هستند.

نتایج حاصل از توصیف خطاهای نحوی در این پژوهش، می‌تواند راه‌کارهای آموزشی را برای معلمان، برنامه‌ریزان درسی، طراحان آزمون‌ها و زبان‌آموزان در راستای کاستن مشکلات یادگیری زبان فارسی ارائه دهد. از آنجاکه آموزش زبان فارسی، خود به‌عنوان آموزش زبان دوم در بسیاری از مناطق کشور مطرح است، مدرسانی که زبان فارسی را به دانش‌آموزان کردزبان آموزش می‌دهند با استفاده از یافته‌های چنین تحقیقی و آگاهی از تداخل‌های زبانی و مشکلات دانش‌آموزان، قادر خواهند بود با دید بازتری با خطاها و مشکلات دانش‌آموزان برخورد نمایند. همچنین نتایج این پژوهش می‌تواند گامی در کمک به تدوین کتاب‌های درسی برای دانش‌آموزان دوزبانۀ کردزبان و فارسی‌زبان بردارد. از آنجاکه هدف از برگزاری آزمون‌ها ارزیابی آموخته‌های دانش‌آموزان می‌باشد، آزمون‌سازان نیز با آگاهی از مواردی که دانش‌آموزان با آن‌ها مشکل دارند و مرتکب خطا می‌شوند، می‌توانند از یافته‌های این تحقیق در طرح آزمون‌ها بهره‌برند.

بدین ترتیب کلیه مشکلات درسی دانش‌آموزان دوزبانه دال بر کم‌کاری و عدم توجهشان به درس تلقی نمی‌شود. به علاوه زبان‌آموزان خود می‌توانند از یافته‌های این پژوهش در جهت شناسایی و برطرف‌نمودن مشکلات زبانی‌شان به هنگام ارتباط با فارسی‌زبانان استفاده کنند، زیرا برخی از سوءتفاهم‌ها و مشکلات برقراری ارتباط، ناشی از تداخل بین زبان‌هاست.

## ۷. پی‌نوشت

1. Errors
2. Language interference
3. Context of learning
4. Communication strategies
5. Context of learning

## ۸. منابع

- احمدی گیوی، حسن و حسن انوری (۱۳۸۰). *دستور زبان فارسی ۱*. تهران: فاطمی
- طباطبایی، علاءالدین. (۱۳۸۴). «فعل مرکب در زبان فارسی». *نامه فرهنگستان*. شماره ۲۶. تابستان ۱۳۸۴. صص ۲۶-۳۴.
- کاظمی، فروغ (۱۳۹۳). «تحلیل خطاهای دستوری فارسی‌آموزان لک‌زبان». *جستارهای زبانی*. د ۵. ش ۲ (پیاپی ۱۸). تابستان ۱۳۹۳. صص ۲۰۷-۲۳۵.
- کمالی، محمدجواد (۱۳۹۴). «تحلیل خطاهای زبان‌آموزان ایرانی در استفاده از حروف اضافه فرانسه». *جستارهای زبانی*. د ۶. ش ۴ (پیاپی ۲۵). صص ۲۲۹-۲۴۹.
- متولیان نائینی، رضوان و رسول ملکیان (۱۳۹۳). «تحلیل خطاهای نحوی فارسی‌آموزان اردوزبان». *آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان*. سال سوم. شماره اول (پیاپی ۶). بهار ۱۳۹۳. صص ۳۱-۶۴.
- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- منشی‌زاده، مجتبی و کیومرث خان‌بابازاده (۱۳۹۳). «خطاهای نحوی تالشی زبان‌ها در کاربرد زبان فارسی». *آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان*. سال سوم. شماره اول (پیاپی ۶). بهار ۱۳۹۳. صص ۱۱۷-۱۳۵.



- میر دهقان، مهین‌ناز و دیگران (۱۳۹۳). «خطاهای نوشتاری فارسی آموزان آلمانی‌زبان در سطح مقدماتی: خطاهای املائی - واجی». *آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان*. سال سوم شماره اول (پیاپی ۶). صص ۹۱-۱۱۶.
- Brown, H. D. (2007). *Principles of Language Learning and Teaching* (4<sup>th</sup> edition). New York: Longman.
- Faerch, C. & G. Kasper (1983). *Plans and Strategies in Foreign Language Communication*. (Eds.). Longman, London.
- Wang, X. (2009). "Exploring the Native Transfer on English Learning". *Asian Social Science*. Vol 5. No 7. pp. 138-143.